

عدالت در انگلستان

« ۱۰ »

مبحث سوم

دلایل

دلایل و سائلی هستند که بواسطه آنها موضوع خارج (۱) و دعاوی به اثبات میرسند. اثبات دلایل تابع قواعد و مقرراتی است که آنها را قواعد و ضوابط اثبات دلایل نام گذارده اند. این قواعد بمنظور حل چهار مسئله اساسی وضع کرده اند.

اول - اثبات دلایل و اثبات موضوع خارج بعهدہ کیست

دوم - چه موضوعات و دلائلی باید اثبات شود

سوم - کدام دلایل در دادگاه مسموع نخواهند بود

چهارم - کدام دلایل را میتوان مؤثر دانست

واینکه یک یک این مسائل را مورد بحث قرار میدهیم.

اول - اثبات دلایل و اثبات موضوع خارج بعهدہ کیست؟ - در حقوق انگلستان

باستثناء بعضی از موارد که بموجب قوانین بدون مقرر گردیده ، اثبات دلایل و موضوعاتی که برای تأیید اظهار مدعی لازم است بعهدہ شخصی است که آنها را برای تأیید ادعای خود تقدیم و ابراز داشته است.

بنابراین هر گاه الف مدعی شود که ب مال او را سرقت کرده الف باید

علاوه بر اثبات مالکیت خود ثابت نماید که ب مال را از او ربوده است . در طرز

تفکر قضائی انگلستان هر قاعده و ضابطه دیگری غیر از این برخلاف عدالت جلوه

می کند ؛ زیرا اثبات یک امر مثبت بمراتب آسان تر از اثبات یک امر منفی است .

البته همانطور که محال است حقیقت مطلق را نشان بدهیم همانطور هم محال است

که بتوان ادعا و اظهاری را از طریق دلیل مطلق و یقین ثابت نمائیم . بنابراین

وقتی که وقایع و امور خارجی ابراز شده بعنوان دلیل صحت ادعا و اظهاری راطوری

بایثبات برسانند که نتوان نسبت بآن بطور معقول و متناسبی شک نمود چنین دلیلی مورد قبول قرار خواهد گرفت؛ بخصوص در امور حقوقی کافی است که احتمال صحت ادعای یک طرف بیش از احتمال صحت اظهارات طرف دیگر باشد، در صورتیکه در امر جزائی بار اثبات اتهام که بعهدہ دادستان است بمراتب سنگین تر از باری است که بدوش مدعی خصوصی گذارده شده وقاضی جزائی باید ماوراء هر شک و تردیدی یقین حاصل کند که امر جزائی توسط متهم ارتکاب یافته و نمی توان در این امر شک کرد (۱)

بعبارت دیگر دلیل برای امور جزائی باید تا آن درجه برای قاضی ایجاد یقین کند که عیناً در امور مهمه زندگی خود و برای اتخاذ تصمیم در امور مربوطه به خود به آن درجه از یقین احتیاج دارد؛ هر گاه چنین یقینی در امر جزائی برای قاضی حاصل نگردد متهم استحقاق برائت (۲) را خواهد داشت زیرا در قانون انگلستان فرض این است که اشخاص بی گناه اند مگر آنکه گناه آنها به اثبات برسد.

دوم - چه موضوعات و دلایلی باید اثبات شوند؟ - بنا بر قاعده کلی طرفین دعاوی باید دلایل کلیه اظهارات و موضوعاتی را که مدعی صحت آنها بوده و برای اثبات دعاوی خود بر آن تکیه می کنند بدادگاه تقدیم دارند مع هذا استثنائاتی بر این قاعده کلی وجود دارد که در این خلاصه به ۳ استثنا اشاره می شود.

استثنا اول - بعضی امور و موضوعات خارج (۳) وجود دارند که احتیاجی به اثبات آنها نیست زیرا دادگاه رأساً بآن ها توجه خواهد داشت از قبیل وقایع و حوادثی که در طبیعت اتفاق می افتد، قوانین مصوبه پارلمان و همچنین مسائل عمومی مربوط به حکومت. بنابراین اگر الف ادعا کند که ب پدر کودک اوست و ثابت شود که ب در زمان تحقق و تشکیل جنین در یکی از نقاط دور دست دنیا بوده در این صورت دادگاه احتیاجی به اقامه دلیل برای رد دعاوی زن نخواهد داشت.

استثنا دوم - در بعضی موارد وقتی اموری به اثبات رسیدند دادگاه وجود امور دیگری را که طبیعتاً از امور اول ناشی می شوند مفروض می داند و این فرض قانونی (۴) تا زمانی که خلافش اثبات نشده بقدرت خود باقی است. چنانکه فرض

۱ - Beyond reasonable doubt

۲ - Acquittal

۳ - Fact

۴ - Presumption

براین است که کودک بین سنین ۸ و ۱۴ قابلیت برای مسئولیت جزائی ندارد. همچنین فرض قانونی بر این است که هرگاه شخصی بکسی پولی بدهد تا مالی بخرد قصد طرفین این بوده که شخص دوم جنس خریداری شده را بعنوان امانت دار شخص اولی متصرف است و نیز فرض این است که کسی که سفته‌ای را در زمان سررسید آن در دست دارد چنین سفته‌ای را از راه قانونی بدست آورده و در مقابل آن مال یا وجهی داده است.

استثناء سوم - قبولی که (۱) طرفین قبل از طرح دعوی ضمن رسیدگی می‌نمایند احتیاجی به اثبات ندارند و صرف قبول هریک از طرفین کافی برای صحت آن اقرار می‌باشد.

سوم - کدام دلائل در دادگاه مسموع نخواهند بود. ممکن است چنین تصور شود که اقامه هرگونه دلیلی برای اثبات موضوع و اظهارات مدعی قابل قبول است در حالیکه بمنظور جلوگیری از اتلاف وقت و نیز بمنظور جلوگیری از ابراز دلائلی که ممکن است ژوری را به اشتباه بیندازد قانون انگلستان فقط دلائلی را می‌پذیرد که یا دلائل اثبات موضوع دعوی مطروحه (۲) و یا مربوط به موضوع دعوی باشند (۳).

منظور از موضوع دعوا امور و وقایعی است که مورد اختلاف دعوی حقوقی و یا واقعه موضوع اتهام در امر جزائی است که مورد انکار متهم قرار گرفته باشد چنانکه در مورد اتهام سرقت این امر که مثلاً در زمان و در محل معینی الفساعت ب را سرقت کرده واقعه ایست که موضوع اتهام است چنین دلیلی را دلیل مستقیم می‌گویند (۴) و اما اسری را می‌توان با موضوع دعوی مربوط دانست که برای بیان موضوع دعوی قابل استفاده باشد در این صورت آن را بعنوان دلیل اوضاع و احوال (۵) مورد توجه قرار میدهند مع هذا چنین دلیلی ممکن است بجهات مذکور در قبل غیر مربوط (۶) اعلام گردند و بالنتیجه غیر قابل قبول (۷) باشند دلائل غیر قابل

- ۱ - Admission
- ۲ - Fact in issue
- ۳ - Facts Which are relevant
- ۴ - Direct evidence
- ۵ - Circumstantial evidence
- ۶ - Irrelevant
- ۷ - Inadmissible

قبول در دادگاه به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند که در این جا فقط بذکر دو نوع آنها اکتفا میشود.

۱ - در دعاوی حقوقی طرفین مجاز نیستند دلائلی بر حسن رفتار و سابقه خوب خود اقامه نمایند و حسن شهرت خود را اثبات کنند و علت آن هم این است که اقامه دلیل بر حسن شهرت طرفین ممکن است ایجاد تصور ذهنی قبلی (۱) نماید و ذهن ژوری را معطوف به امور فرضی مربوط به رفتار طرفین کند. و در تعادل و تطبیق شایستگی طرفین توجه ژوری را از بررسی وقایع و موضوعاتی که شهود گواهی داده‌اند باز دارد.

۲ - طرفین مجاز نیستند که رفتار و اقدام طرف دیگر را در قضایای مشابه و گذشته دلیل عمل و یا اتهام او در دعوی فعلی قرار دهند و اگرچه بدو چنین بنظر میرسد که رفتار طرف در قضایای مشابه می‌تواند دلیل مربوط به دعوی قرار گیرد ولی قانون انگلستان چنین دلیلی را غیرقابل قبول اعلام کرده است.

مثلاً اگر الف ادعا کند که ب حلقه انگشتی او را باحقه و تزویر از او گرفته است بدلیل اینکه همین ب قبلاً هم مرغ همسایه و نیز دوچرخه ج را بوسائل مشابهی از آنها ربوده است چنین دلیلی را دادگاه انگلستان قابل قبول ندانسته و کافی برای محکومیت ب با اتهام سرقت حلقه انگشتی نمیداند اگرچه منطقی‌تر است که این گونه خصوصیات و خلق و رفتار اشخاص را دلیل بر اعمال دیگر آنها دانست ولی در قانون و امور قضائی چنین قیاسی ارزش ندارد.

چهارم - کدام دلائل را می‌توان معتبر و مؤثر دانست.

قانون سه نوع دلیل را معتبر می‌شناسد و این سه نوع عبارتند از

۱ - اثبات از طریق دلائل شفاهی

۲ - اثبات از طریق اسناد

۳ - اثبات از طریق دلائل واقعی یا معاینه و بررسی موضوع

۱ - دلائل شفاهی (۲) دلائل شفاهی دلائلی است که توسط گواهان

داده میشوند و معمولاً پس از یاد کردن قسم طرفین برای اثبات صحت اظهارات خود معمولاً استناد به گواهی گواهان می‌نمایند. شاهد مشهودات و ملاحظات خود را

۱ - Prejudice

۲ - Oral evidence

نسبت به وقایع مربوط به موضوع دعوی بیان می کند و باید حتی المقدور از اظهار نظر و عقیده خودداری کند بنابراین اگر الف شاهد یک تصادف بوده می تواند بگوید که اتومبیل ب با اتومبیل ج تصادف کرده و ممکن است گواهی دهد که اتومبیل الف هنگام رانندگی سرعت داشت ولی نمیتواند اضافه کند سرعت اتومبیل الف خیلی زیاد بود زیرا این مطلب که الف بسیار سریع میراند امری است مربوط به اظهار نظر و قضاوت شاهد از امر واقع تصادف. شاهد صرفاً گزارش دهنده است و نه اظهار نظر کننده، معهذا شهود متخصص و کارشناسان که برای ملاحظه صحنه تصادف در محل حاضر و سپس در دادگاه شهادت میدهند باید نسبت به واقعه اظهار نظر نمایند مثلاً در موردیکه قتل از طریق مسمومیت اتفاق افتاده دکتر متخصص باید در خصوص مرگ مقتول اظهار نظر نماید. شهود ممکن است در مورد آنچه را شنیده اند و یا راجع به آنچه دیده اند گواهی دهند معهذا نقل قول (۱) را نمی توان شهادت قابل قبول دانست مثلاً در جریان محاکمه یک قتل شاهد مجاز نیست شهادت دهد که شخص دیگری (که بعنوان شاهد استماع نشده و یا در دادگاه حاضر نیست) گفته است که متهم را در حال ارتکاب قتل دیده و علت مردود بودن چنین شهادتی آن است که طریقه برای صحت آن وجود ندارد و شخصی که مطالب از زبان او نقل شده تحت سوگند نبوده است؛ معهذا قاعده نقل قول موضوع استثنائاتی قرار گرفته که این استثناء ناشی از ضرورت هائی است که نقل قول را در بعضی موارد قابل ترتیب اثر دانسته است چنانکه مثلاً در مواقعی که گوینده واقعی مطلبی فوت شده باشد که در این صورت بازهم باید این گمان بدست آید که گوینده به واقعیت و درست بودن آن اعتقاد داشته است بنابراین هرگاه طرفین و یا نمایندگان آنها بضرر خود نقل قولی کنند چنین نقل قولی را می توان معتبر دانست و نیز در موردیکه شخصی قبل از محاکمه فوت کرده و اظهاراتی نموده باشد نقل قول از او ممکن است معتبر شناخته شود. غالب اظهاراتی که شخصی قبل از فوت خود در حین انجام وظیفه نموده است ممکن است نقل آن را در دادگاه بعنوان نقل قول قانونی قلمداد کرد زیرا معمولاً اشخاص حین انجام وظیفه مرتکب دروغ نمی شوند.

۲ - دلائل مستند (۲) یا اسناد

۱ - Hearsay

۲ - Documentary evidences

اینها دلائلی هستند که در سندی گنجانیده شده‌اند و در این خصوص مطالعه پنج نکته ضروری است.

اول - اسناد بر دو گونه‌اند اسناد عمومی (۱) - اسناد خصوصی (۲)

اسناد عمومی اسنادی است که برای مراجعه عموم تنظیم گردیده‌اند از قبیل قوانین و مقررات عمومی و ثبت‌های عمومی و نقشه‌هایی که برای استناد عموم تهیه شده است. اسناد خصوصی آنهایی است که برای منظورهای خصوصی تهیه و تنظیم گردیده است.

دوم - قاعده کلی آنست که تمام اسناد خصوصی باید قبل از آنکه مندرجات آنها بعنوان دلیل بکار روند به اثبات برسند عبارت دیگر مسلم‌الصدور بودن اسناد لازمه ارائه آنها بعنوان دلیل است و این قاعده‌ایست منطقی زیرا در غیر این صورت جعل اسناد مورد تشویق قرار می‌گرفت. البته اثبات مسلم‌الصدور بودن اسناد از طریق مطالعه و بررسی در تنظیم آنها امر دشواری نخواهد بود و به آسانی میتوان اصالت (۳) آنها را احراز کرد خواه از طریق شهادت اشخاص و یا از طریق کسی که سند را تنظیم نموده و یا بالاخره اظهار کسانی که تنظیم و امضاء سند را شخصاً دیده باشند و هرگاه چنین اشخاصی وجود نداشته باشند خط تنظیم کننده سند (۴) ممکن است توسط اشخاصی که آن خط را می‌شناسند تشخیص داده شود.

در غالب دعاوی حقوقی اسنادی که قانوناً لزومی به گواهی آنها نیست توسط طرف دعوی شناخته میشود (۵) و در مورد اسناد قدیمی (۶) یعنی اسنادی که بیست سال از تنظیم آنها گذشته باشد قانونگزار اصالت آنها را مفروض می‌داند مشروط بر اینکه این اسناد نزد کسی نگه‌داری شده باشد که معمولاً و طبیعتاً بایستی نزد او نگهداری میشده‌اند.

سوم - در دعاوی حقوقی (۷) اسنادی که قانوناً بایستی تمبر بشوند و تمبر

- ۱ - Public documents
- ۲ - Private documents
- ۳ - Authenticity
- ۴ - Handwriting
- ۵ - Agreed
- ۶ - Ancient documents
- ۷ - Civil actions

به آنها زده نشده باشد قابل ترتیب اثر نخواهد بود.

چهارم - در مورد اسناد خصوصی باید اصول آنها را ابراز کرد (۱) و این مورد را اصطلاحاً قاعده بهترین دلیل (۲) می گویند بموجب این قاعده دلائل بایستی با بهترین طریقه ممکن ارائه شوند. ارائه دلیل بصورت کپی و یا از طریق اظهار شفاهی نیز در صورتی ممکن است که معلوم شود اصل سند بجهت و معاذیری در دسترس نیست و یا ثابت شود که اصل سند از بین رفته است و اصول اسناد عمومی البته ندرتاً در دسترس می باشند و در این صورت کپی و یا رونوشتهای تصدیق شده (۳) آنها برای اثبات ادعا کافی است.

پنجم - بموجب قانون دلائل ۱۹۳۸ (۴) نقل قول از دیگری ممکن است بصورت سند کتبی انجام گردد و این استثنائی است بر قاعده نقل قول که قبلاً بان اشاره شد.

۳ - دلائل واقعی (۵) و یا معاینه و بررسی موضوع - این وسیله از طریق معاینه و بررسی موضوع خارج یکی دیگر از انواع دلائلی است که قانون پیش بینی نموده است و دادگاه و یا ژوری برای کشف حقیقت موضوع می توانند بان متوسل شوند مثلاً محل وقوع حادثه را معاینه نمایند و یا آلات و ادوات موضوع جرم و یا وسائلی که در ارتکاب جرم بکار رفته در دادگاه حاضر و مورد معاینه و بررسی دادگاه و ژوری و اهل خبره، کارشناسان قرار گیرد یا شدت جراحات را برای تعیین خسارت در دادگاه مورد بررسی و معاینه قرار دهند.

قبل از اتمام این مبحث از جهت اهمیتی که دلائل در اثبات دعاوی و حقوق افراد اجتماع دارند لازم است نکاتی درباره اختلاف بین دلائل حقوقی و دلائل جزائی در این مختصر مورد توجه قرار گیرد و لذا بطور خلاصه این مسئله را مطرح و به اشاراتی در این باره اکتفا می کنیم.

۱ - To be produced in original

۲ - The best evidence rule

۳ - Authenticated copies

۴ - Evidence Act 1938

۵ - Real evidence

اختلاف دلایل جزائی با دلایل حقوقی

چنانکه قبلاً نیز اشاره شد قبول ادعای طرف (۱) در امر حقوقی مدعی را از اقامه دلیل بی‌نیاز می‌سازد و همینکه یکی از طرفین اقرار به صحت ادعای طرف دیگر و اخبار به حق او بزیان خود نمود تکلیف دعوی معلوم گردیده و این اقرار را می‌توان قاطع دعوی دانست در حالیکه در امر جزائی اقرار متهم فقط در موارد محدودی می‌تواند معتبر و قابل قبول دادگاه باشد.

گرچه در امور جزائی با قبول ارتکاب جرم (۲) که در جنایات بزرگ با کراهت مورد قبول دادگاه قرار می‌گیرد ممکن است متهم تمام اتهام را قبول و دادستان و یا پلیس را از زحمت اثبات اتهام خلاص کند لیکن اعتراف متهم (۳) به ارتکاب جرم فقط در مواردی قبول می‌شود که بعضی شرایط دقیقاً رعایت شده باشد و این شرایط عبارتند از اینکه اولاً اعتراف در جریان دادرسی‌های قبلی فقط وقتی معتبر است که با سوگند انجام شده و متهم هیچگونه اعتراضی در این مورد ننموده باشد ثانیاً اعترافی که در شرایط و اوضاع و احوال دیگری بعمل آمده در دادگاه قابل قبول نیست دیگر در صورتیکه دادستان ثابت نماید که چنین اعترافی با رضایت و آزادانه (۴) انجام گرفته است باین معنی که اعتراف از ترس و فشار و تهدید و یا امیدوار نمودن به نفعی توسط مقامات صلاحیت‌دار صورت نگرفته است.

با اینهمه نباید تصور نمود که اقرار و اعتراف در مقامات صلاحیت‌دار قابل رد نیست بلکه در صورتیکه ثابت شود اعتراف طبق قانون انجام نشده می‌توان آن را بلا اعتبار و کان لم یکن ساخت حتی در مورد اعترافات که نزد پلیس بعمل می‌آید هرگاه پلیس رعایت مقررات را ننموده باشد و یا صورت جلسات وفق موازین قانونی تنظیم نشده و یا مقدمات لازم بعمل نیامده باشد چنین اعترافی فاقد ارزش قانونی خواهد بود.

مثلاً پلیس هنگام سؤال و جواب و تنظیم صورت جلسه و نوشتن اظهارات

متهم مکلف است مقدماتی را انجام دهد و مطالبی را به متهم تفهیم نماید (۵)

- ۱ - Admission
- ۲ - The plea of guilty
- ۳ - Confession
- ۴ - Voluntarily
- ۵ - Caution

و هرگاه در انجام این مراسم لغزشی رخ داده باشد اعترافات متهم که ممکن است ضمن اظهارات بعمل آمده باشد کان‌لم یکن خواهد .

پلیس انگلستان هنگام بازجوئی از شخصی که مرتکب جرم شده و یا مورد سوءظن پلیس قرار گرفته باید با او بگوئید که «آیا حاضرید چیزی بگوئید. البته شما مجبور نیستید حرفی بزنید و یا مطلبی بگوئید لیکن اگر چیزی بگوئید در صورت جلسه نوشته خواهد شد و ممکن است بعنوان دلیل در دادگاه از آن استفاده شود» (۲)

هرگاه پلیس چنین فرمولی را صریحاً به متهم تفهیم ننماید کلیه اظهارات مندرج در صورت جلسه بازجوئی و امضات متهم بلااثر بوده و پرونده فاقد دلیل جزائی تلقی و دادگاه بسبب فقد دلیل حکم برائت متهم را صادر خواهد کرد .



Do you wish to say anything in answer to the charge?
you are not obliged to say anything, but if you do say anything it
will be taken down in writing and may be used in evidence at the
trial.